

- نگاهی به سوابق و دیدگاه های وزیر نیرو
- مروری بر چالش ها و راهبردهای صنعت برق
- جنبش ضد تحریم و صنعت برق
- گردهمایی بزرگ برقی ها در یک نشست تشکیلی
- ناامیدانی که امیدوار شده اند
- ما زیر ذره بین دنیا هستیم
- الزامات تقویت تولید
- شاخص گذاری و تعدیل قراردادهای
- روانشناسی صنعتی سازمانی

”محسن رنایی؛ استاد دانشگاه و اقتصاددان

“راه دراز کمپین ضد تحریم



علیرضا کلاهی؛ نایب رئیس هیات مدیره سندیکای صنعت برق ایران
روی بازار عراق تمرکز کنیم



پیام باقری؛ نایب رئیس کمیته توسعه صادرات سندیکای صنعت برق ایران
گذر از بحران با تکیه بر صادرات توانمند



محمد مهدی بهکیش؛ نایب رئیس و دبیر کمیته ایرانی اتاق بازرگانی بین المللی
تحریم مغایر دموکراسی است



محمد فارسی؛ رئیس هیات مدیره سندیکای صنعت برق ایران
تغییری برای توسعه

در این شماره می خوانید:

۲ هم صدایی جنبش ضدتخریم با دولت

پرونده اول / وزیر نیرو

۴ نگاهی به سوابق و دیدگاه های وزیر نیرو

۸ مروری بر چالش ها و راهبردهای صنعت برق

۱۵ طرح «حمایت از صنعت برق» کلید خورد

پرونده دوم / جنبش ضدتخریم

۱۷ راه دراز کمپین ضدتخریم

۲۰ تخریم مغایر دموکراسی است

۲۲ جنبش ضدتخریم و صنعت برق

۲۳ ناامیدانی که امیدوار شده اند

۲۴ جنبش مدنی ضدتخریم

۲۵ جنبش ضدتخریم انعکاس "نه" قاطع فعالین جامعه مدنی به تخریم ها

۳۰ گذر از بحران با تکیه بر صادرات توانمند

۳۳ روی بازار عراق تمرکز کنیم

۳۵ از صادرکننده حمایت نمی شود

۳۶ مازیر ذره بین دنیا هستیم

گفت و گو

۳۸ تغییری برای توسعه

۴۰ وزارت نیرو طلبکار از دولت و بدهکار به پیمانکاران

۴۱ ضرورت برنامه ریزی برای گذر از بحران صنعت برق

یادداشت

۴۵ الزامات تقویت تولید

گزارش

۴۷ گردهمایی بزرگ برقی ها در یک نشست تشکلی

۴۹ روزنه امیدی برای حل سریع مشکلات

۵۱ بزرگترین رخداد صنعتی و تجاری صنعت برق ایران در راه است

مقالات علمی / مدیریت

۵۴ ارزیابی تپ چنجر ترانسفورماتور با آنالیز گازهای محلول در روغن (DGA)

۵۷ فیبرنوری (Fiber Optic)

۶۱ هزینه های تولید برق از منابع تجدیدپذیر از نگاه آژانس بین المللی انرژی های تجدیدپذیر

۶۵ شاخص گذاری و تعدیل قراردادها / بخش دوم و پایانی

۶۹ روانشناسی صنعتی سازمانی

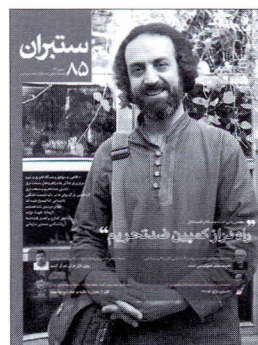
اخبار

۷۲ سندیکا

۸۲ عضو

۸۴ صنعت برق

۸۶ اقتصادی



صاحب امتیاز: سندیکای صنعت برق ایران

مدیر مسئول: مهندس غلامرضا ناصح

جانشین سرمدیر: مهندس علیرضا سیاسی راد

اعضای شورای سیاستگذاری: مهندس غلامرضا ناصح

مهندس محمد پارسا، مهندس محمد فارسی، مهندس محمد

کتابچی، دکتر احمد میدری، مهندس حمیدرضا صالحی

مهندس مسعود حجت، محمدصادق جنان صفت

دبیر تحریریه: سمیه کاظم زاده

تحریریه: نفیسه زارع کهن، اعظم گلبری، نازنین احمدی

طراح گرافیک: ایمان جلالی

عکس روی جلد: لیلا افشار

مدیر اجرایی: مهندس سپهر برزی مهر

سایت: الهام یاغچی

توزیع: مریم نقره، سپیده گرجی

امور آگهی ها: بهارک باقرپور

امور اداری ماهنامه: سهیلا براتی

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: فارابی

نشانی: تهران، خیابان مطهری، بعد از خیابان مفتاح

پلاک ۱۸۶، طبقه اول، کدپستی: ۱۵۷۵۹۴۳۵۵۱

تلفکس: ۸۸۸۲۸۵۵۸، ۸۸۸۳۱۹۹۴-۶

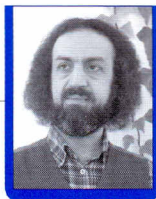
سازمان آگهی ها: ۸۸۸۳۱۹۹۴-۶

سایت: www.ieis.ir

ایمیل: setabran@ieis.ir

راه دراز کمپین ضد تحریم

گفتگو با دکتر محسن رنانی؛ استاد دانشگاه و اقتصاددان



بر خوردش در این مورد جدی تر خواهد بود. در واقع من به طور غیر مستقیم پیش بینی کرده بودم که کار به تحریم و این جاها خواهد کشید.

پس به باور شما مسئله هسته ای با تحریم ها ارتباط مستقیم دارد؟ چرا که بسیاری رابطه منفی ایران را فراتر از مسئله هسته ای عنوان کرده و معتقدند راه حل این مسئله تنها مسئله هسته ای نیست؟

درست است که اختلافات ایران و آمریکا فراتر از مسئله هسته ای است اما این مسئله زمینه مساعد لازم را برای آمریکا برای فشار بر ایران فراهم کرده است. در واقع تر این کتاب هم همین بوده است. گفتم که امریکا قضیه مناقشه را بهانه ای کرده برای فشار بر ایران به منظور تنش آیز کردن خلیج فارس و هدفش هم از این کار، مدیریت بازار انرژی بوده است جهت افزایش قیمت نفت تا سرمایه گذاری در انرژی های غیر فسیلی و پاک، اقتصادی شود و غرب بتواند گریبان خود را از وابستگی به نفت برهاند.

یعنی شما معتقدید آمریکا با غرب اصولاً خیلی نگران فعالیت هسته ای ایران نیست و این را فقط بهانه ای برای تنش آیز کردن خلیج فارس قرار داده است؟ آن هم به منظور افزایش قیمت نفت؟

دقیقاً، حتی همان طور که در کتاب اشاره کرده ام این احتمال وجود دارد که اصل ورود ایران به مناقشه امنی نوعی طراحی آنها باشد. یعنی ما اولین اطلاعات و تجهیزات امنی را به صورت قاچاق از عبدالقدیر خان دانشمند پاکستانی خریدیم که او را هم بعدها برخی مقامات اروپایی در خاطر ایشان نوشتند که جاسوس سیا بوده است.

نفسه زارع کهن؛ محسن رنانی اقتصاددان و استاد دانشگاه اصفهان در حوزه اقتصاد است. از مهرماه سال پیش که او اعلام کرد در مورد مسائل روز اقتصاد مصاحبه نمی کند و نظراتش در این موارد را از طریق مقالات یا سخنرانی هایش بیان می کند دیگر تقریباً هیچ مصاحبه ای از او منتشر نشده است. گرچه یکی دو نشریه مصاحبه های قدیمی او را باز نشر دادند اما تماس های مکرر خبرنگاران برای مصاحبه بی نتیجه بود، تا این که در اردیبهشت امسال، رنانی با انتشار آخرین کتابش با عنوان «اقتصاد سیاسی مناقشه اتمی ایران» که از طریق تارنمای رسمی خود منتشر کرد، اعلام کرد که استثنائاً از مصاحبه درباره این کتاب استقبال می کند. ما نیز به این بهانه سراغ او رفتیم و مصاحبه خود را با پرسش درباره این کتاب آغاز کردیم اما طبیعت بحث، ما را به مسائل اقتصاد ایران و به ویژه مسئله تحریم ها کشاند و با او درباره کمپین ضد تحریم و... به گفت و گو نشستیم. آن چه در پی می آید مصاحبه «ستبران» با این استاد دانشگاه است:

کرده اید؟

ببینید کتاب در مهر ۱۳۷۲ یعنی اکتبر ۲۰۰۸ برای مقامات ارشد کشور ارسال شده است یعنی وقتی هنوز بوش رئیس جمهور است و او با ما هنوز انتخاب نشده است و در تبلیغات ریاست جمهوری اش اعلام کرده است که حاضر است بی قید و شرط با ایران مذاکره کند. آنچه که من در کتاب پیش بینی کرده ام این است که گفته ام اگر او با ما انتخاب شود گرچه جنگ طلب نیست و مانند بوش حمله نخواهد کرد اما در مورد ایران و در مورد مناقشه اتمی ایران از بوش جدی تر عمل می کند و بدون جنگ فشارهای خود را بر مسئله مناقشه شدید خواهد کرد و

شما در اردیبهشت ماه امسال کتاب تازه تان با عنوان «اقتصاد سیاسی و مناقشات اتمی ایران» را از طریق تارنمای رسمی خود منتشر کردید. با توجه به این که آن کتاب را هشت سال پیش تدوین و پنج سال پیش برای مقامات ارشد کشور ارسال کرده اید، چه علتی داشت که در این تاریخ خاص یعنی حدود یک ماه پیش از انتخابات ریاست جمهوری آن را منتشر کنید. راستش این کتاب خطاب به مقامات ارشد کشور نوشته شده است و توصیه هایش برای همان تاریخی که به مقامات دادم بود که البته کسی توجه نکرد یعنی الان برای اجرای دیگر توصیه هایش اندکی دیر شده است. پس من می باید این کتاب را همان پنج سال پیش منتشر می کردم. اما چون امکان انتشار آن وجود نداشت صبر کردم. در نوروز امسال دیدم اگر الان منتشر نشود بهتر است دیگر هرگز منتشر نشود. بنابراین با غنیمت دانستن فرصت انتخابات یازدهم و به امید این که بر دیدگاه کاندیداهای ریاست جمهوری در باب مناقشه اتمی اثری بگذارد، آن را منتشر کردم.

پاسخ یا واکنشی هم از سوی کاندیداها یا سایر مقامات داشتید؟ البته متأسفانه مقامات مسئول نه پنج سال قبل که کتاب را صرفاً یک نسخه برای آنها فرستادم واکنشی نشان دادند و نه حالا. گویا یک توافق نانوشته ای وجود دارد که درباره این کتاب صحبت نشود. نه آن زمان که فرستادم عکس العملی حتی در حد اعلام وصول نشان داده شد چه رسد به استقبال یا حتی نقد آن؛ نه امروز که آن را انتشار عمومی داده ام واکنشی به آن بوده است. اما از سوی کاندیداها و قاطبه بخش زیادی از کارشناسان کشور و حتی مدیران میانی کشور استقبال زیادی از آن شده است.

ظاهراً شما در همان زمان در کتابتان تحریم های امروز را پیش بینی

این که غرب خودش عامدانه دنبال افزایش قیمت نفت باشد کمی عجیب و غیر عادی است. چون افزایش قیمت نفت خیلی برای اقتصاد غرب هزینه و فشار داشته است.

درست است. هر کاری در این عالم هزینه دارد. شما اگر بخواهید متخصص بشوید باید بیداری بکشید و از رفاه خود بزنید. اگر بخواهید قهرمان ورزشی بشوید باید خیلی تمرین کنید و خیلی خودتان را خسته کنید. یک بنگاه اگر بخواهد سهم خود در بازار را حفظ کند یا سودش را بالا ببرد خیلی باید کارایی اش را بالا ببرد. باید هزینه هایش روز به روز کاهش یابد باید مدیرانش خیلی مراقبت کنند، تمام هزینه های اضافی و لوکس را حذف کنند باید کارگران ناکارآمد را اخراج کنند تا بتوانند در بازار رقابت کنند. به همین ترتیب یک کشور اگر بخواهد رشد کند باید از مصرف خود بکاهد و بودجه هایش را ببرد به سمت سرمایه گذاری در تولید. اگر بخواهد صادراتش بالا برود باید قیمت ارز خارجی را بالا ببرد و ارزش پول ملی اش را کم کند تا صادراتش رشد کند و بالا رفتن قیمت ارز خارجی به معنی کاهش مصرف کالا های ارزان خارجی است. حالا به نظر شما یک تمدن، یعنی تمدن غرب، اگر بخواهد برتری و کارایی و پویایی خودش را حفظ کند، اشکالی دارد که فشار افزایش قیمت نفت را تحمل کند؟ در واقع غرب یک چنین کاری کرده است. نظریه کتاب همین

یعنی شما مناقشه اتمی ایران را به مسئله گرم شدن زمین پیوند زده اید. چون زمین در حال گرم شدن است پس مناقشه اتمی باید ادامه یابد تا گرم شدن زمین متوقف شود.

نیمه پنهان داستان همین است. البته در کتاب به مسائل و اهداف متعددی اشاره شده است که غرب دنبال آن است. از جمله مسئله عبور تمدن ها که غرب تصمیم گرفته است وابستگی خودش را از یک منطقه بی ثبات یعنی خلیج فارس و خاور میانه کاهش دهد و همچنین بکوشد برتری تمدن غرب بر تمدن های شرقی را حفظ کند و تداوم مناقشه اتمی ایران با این دو هدف غرب ارتباط دارد.

فکر می کنید این خوش بینی که به واسطه دولت جدید نسبت به ایران در جامعه جهانی به وجود آمده است، می تواند تأثیری در نوع رویکرد آمریکا داشته باشد؟ یعنی پروژه تحریم های که علیه ایران اعمال می کند را به شکست برساند؟

البته انتخایات اخیر نگاه جهان را به ایران تغییر داده است اما غرب به رهبری آمریکا یک استراتژی بلندمدتی دارد که با این گونه تحولات استراتژی خود را تغییر نمی دهند. البته ممکن است دنبال کردن آن را برای غرب سخت کند اما باعث نمی شود رها کنند. به همین خاطر است که در کتاب گفته ام ایران باید خودش را از بازی مناقشه بیرون بکشد. یعنی منتظر نماند که غرب چه

مذاکرات نبیند و چشم انداز روابط خارجی و مناقشه اتمی همچنان مبهم بماند اقتصاد ما تصمیم اش را می گیرد و وارد یک دور تازه بی ثباتی تورم آمیز می شود. اقتصاد یک موجود زنده است. خیلی حساس است، خیلی حساس است، خیلی عاقل است، خیلی سیاست مدار است. به راحتی فریب نمی خورد. پس خیلی وقت نداریم. ایران باید تا دیر نشده یک بسته سیاستی بلند مدت هم در مورد سیاست خارجی اش و هم در مورد مناقشه اتمی تدوین کند و به مذاکرات بپرد و خواه در مذاکرات اتمی با آن بسته امتیازی بگیرد یا نه آن بسته را رسماً و علناً اعلام کند و به اجرا بگذارد.

اخیراً جنبشی به نام ضد تحریم راه افتاده است به باور شما چه اهمیتی داشته که چنین پیشنهادی مطرح شده است؟ در اهمیت آن شکی نیست. اما نکته این است که تا این جای کار، تنها یک پیشنهاد بوده که از سوی برخی صاحب نظران برای راه اندازی چنین جنبشی صورت گرفته است ولی ببینید واکنش ملی در مورد آن چه بوده است؟ جنبش مدنی یک تعریف مشخص دارد. این حرکت فعلاً در حد نگارش مقالاتی از سوی برخی صاحب نظران میهن دوست و نگران کشور باقی مانده است. تا تبدیل به یک جنبش شود راه درازی دارد و به گمانم نمی تواند تبدیل به یک جنبش شود چون به محض این که بخواهد جنبش

است که غرب به رهبری آمریکا با مدیریت بازار نفت و افزایش تدریجی قیمت نفت یک فشار حساب شده و مدیریت شده برای کل اقتصادش آورده است تا هم صنایع فرسوده از رده خارج شوند هم صنایع مدرن ارتقا پیدا کنند هم تحقیقات در حوزه انرژی های نو اقتصادی شود تا نهایتاً اقتصادش را یک پله ارتقا دهد و برتری اش را حفظ کند. غرب با افزایش مدیریت شده قیمت نفت دارد الگوی جهانی انرژی را عوض می کند و دنیا را مجبور می کند تا از الگوی مصرف انرژی های فسیلی دست بردارد و به الگوی مصرف انرژی های پاک روی بیاورد؛ و البته بیشترین سود این انتقال را هم غرب می برد.

چرا؟

چون اگر الگوی کنونی مصرف انرژی فسیلی ادامه یابد سرعت تولید گاز های گلخانه ای بیشتری تولید می شود و روز به روز روند گرم شدن زمین تشدید می شود و یخچال های قطب شمال با سرعت بیشتری آب می شوند و آب دریاها با سرعت بیشتری بالا می آید و بنابراین میلیون ها کیلومتر از سواحل دنیا زیر آب می رود و بیشترین خسارت را غرب می بیند که حدود نصف اقتصادش در مناطق حاشیه ای دریاها و اقیانوس ها مستقر است.

می کند. به دلایلی که در کتاب گفته ام آمریکا قطعاً دوست دارد قضیه مناقشه طولانی بشود و انتخاب دولت جدید و تغییر نگاه جهانی، کار را برای آنها دشوار می کند. حالا دیگر به راحتی نمی توانند از گزینه نظامی یا تشدید تحریم ها سخن بگویند اما این باعث نمی شود که استراتژی خود را تغییر دهند. منافع که غرب در مناقشه اتمی با ایران دنبال می کند آنچنان عمیق و بلند مدت و استراتژیک و تاریخی است که گمان نمی کنم به هیچ قیمتی حاضر باشد از آن دست بردارد.

پس چه باید کرد؟

ما باید ابتکار عمل را در دست بگیریم. این که بنشینیم تا پس از ماه های یک تاریخی برای مذاکرات اتمی تعیین شود بعد با هزار اما و اگر بیایند و بروند و بعد هم حرف های دو پهلوی بزنیم یا آنها بزنند چیزی از مشکل ما حل نمی کند. ما باید در قضیه مناقشه اتمی خودمان ابتکار عمل را در دست بگیریم و یک طرفه عمل کنیم. نمی گویم مذاکره نکنیم نه مذاکره انجام شود اما به آن دل نبندیم و خیلی هم زمان را از دست ندهیم. اقتصاد ما در داخل خیلی صبر ندارد که یک سال دو سال صبر کند تا ببیند مذاکرات اتمی به کجا می کشد. چند ماه، به نظر من حداکثر تا پایان امسال، اقتصاد ما دست به عصا راه می رود و اگر نتیجه ملموسی از

شود خود حکومت با آن مقابله می کند. جنبش مدنی مشخصات و اقتضائاتی دارد. البته ممکن است در حد نگارش چند نامه به سران نهادهای جهانی یا مقامات خارج هم پیش برود اما جنبش مدنی به نوشتن چند مقاله یا نامه خلاصه نمی شود. جنبش مدنی مشخصاتی دارد. جنبش مدنی که حرکت جمعی خود انگیزه اجتماعی است که عقلائی عمل می کند و اهل شورش و تحریک نیست، تدریجی عمل می کند، بر آگاهی بخشی جمعی تأکید می کند، مستمر و پیوسته و البته با سرعت کم به پیش می رود، حول یک هدف مشترک عمل می کند، ادبیات یا گفتار ویژه خود را تولید می کند و تحت رهبری فعالین اجتماعی غیر دولتی به گونه ای سازماندهی دست می یابد. خوب شما چنین چیزی را در این حرکت نمی بینید. برخی روشنفکران و صاحب نظران دارند تلاش هایی را برای جلب توجه نهادهای جهانی به خسارت ها و فشار های ناشی از تحریم، ساماندهی می کنند. این هم کار خوب و پسندیده ای است هم ممکن است تأثیر گذار باشد اما به معنای تخصصی آن نمی توان عنوان جنبش به آن داد. البته من امیدوارم و همه ما باید بکشیم که این حرکت نهایتاً به یک جنبش اجتماعی تبدیل شود اما گمان نمی کنم خود حکومت هم تمایل داشته باشد که این جنبش شکل بگیرد. چون جنبش در هر صورت به معنی نوعی حضور و اعلام هویت برای نهادهای

مدنی است که فعلاً از چنین چیزی استقبال نمی‌شود.

در هر صورت با توجه به این که به نظر می‌رسد مسئله تحریم‌ها مسئله‌ای بین دولت‌هاست، نهادهای مدنی چه کمکی می‌توانند بکنند؟

نهادهای مدنی البته باید تلاش خود را بکنند و در سطح جهانی اطلاع‌رسانی کنند که تحریم‌ها چه مشکلاتی برای زندگی و سلامت مردم ایران ایجاد کرده است و این البته تا حدودی - تکرار می‌کنم تا حدودی - موثر است اما اگر بخواهیم یک نقش حقیقی برای نهادهای مدنی ایجاد کنیم این است که به آنها میدان و فضا و امکان برای حضور و اعلام وجود و نقش بازی کردن بدهیم آنها را به رسمیت بشناسیم و به آنها اجازه داشتن رسانه‌های فراگیر بدهیم تا اگر آنها حرفی می‌زنند سازمان‌های جهانی باور کنند که این‌ها سخنگوی مردم هستند و دست ساز دولت نیستند. الآن هر حرکتی شکل بگیرد چون در ایران فضای عمومی بسته است سازمان‌های جهانی گمان می‌کنند این حرکت یک حرکت دولت ساز است و آن را جدی نمی‌گیرند. اگر اجازه داده می‌شد که نهادهای مدنی توانمندی شکل بگیرد آنگاه بود که آنها می‌توانستند با همکاری‌های دیگر نهادهای مدنی جهانی یک موج ضد تحریم برای لغو یا شکستن تحریم‌ها ایجاد کنند. مثلاً اگر یک نهاد مدنی با همکاری یک نهاد خبری جهانی بخواهد دارو وارد ایران کند دیگر تحریم کنندگان نمی‌توانند

شناخته شده و منتقد باز کند. یعنی اجازه دهد احزاب منتقد، سازمان‌های مردم‌نهاد شناخته شده و مستقل مثل خانه سینا، انجمن‌های خبرنگاری، انجمن‌های حقوق بشری و غیره بتوانند به طور جدی فعالیت کنند تا این‌ها در عین حال که دارند کار اصلی خودشان را انجام می‌دهند بتوانند یک جنبش مدنی ضد تحریم را نیز سازماندهی کنند.

آیا صرف این که تشکلهای نامیده‌اند... تأثیر گذار است؟ عرض کردم، نامه‌نگاری، جنبش مدنی محسوب نمی‌شود. مشخصه‌های یک جنبش را بر شمرم. برای یک جنبش، فضای

”

اگر بخواهیم یک نقش حقیقی برای نهادهای مدنی ایجاد کنیم این است که به آنها میدان و فضا و امکان برای حضور و اعلام وجود و نقش بازی کردن بدهیم آنها را به رسمیت بشناسیم و به آنها اجازه داشتن رسانه‌های فراگیر بدهیم تا اگر آنها حرفی می‌زنند سازمان‌های جهانی باور کنند که این‌ها سخنگوی مردم هستند و دست ساز دولت نیستند

غیر دولتی داده می‌شود می‌توان امیدوار بود که این کمپین نتیجه بخش هم باشد؟ فکر نمی‌کنم.

استراتژی‌های مکملی که برای این جنبش می‌توان مد نظر قرار داد چه می‌تواند باشد؟

به نظر می‌رسد بیشتر از آن که دنبال استراتژی مکمل برای جنبش باشیم باید دنبال استراتژی مکمل برای سیاست‌های خارجی مان باشیم. چون شکل‌گیری یک جنبش نیازمند یک سابقه و تجربه تاریخی در نهادهای مدنی است و مستلزم قدرتمندی این نهادهاست که فعلاً چنین نیست. نهادهای مدنی را هم یک شبه و با دستورالعمل نمی‌توان قدرتمند کرد. یک تجربه بلند تاریخی لازم است تا نهادهای مدنی قدرتمند پدیدار شوند. سنت‌ها، افکار، شبکه‌های روابط، ارزش‌های اجتماعی و... باید شکل بگیرد تا نهادهای مدنی قدرتمند شکل بگیرند. بنابراین راه درست آن است که اکنون که مردم با انتخاب تازه‌ای در انتخابات یازدهم، راه تازه‌ای برگزیده‌اند، حکومت هم با این انتخاب راه تازه، همراهی کند و مسیر تازه‌ای را در تعامل با مردم و جهان در پیش گیرد.

من در همین کتاب «اقتصاد سیاسی مناقشه اتمی ایران» که در واقع موضوع اصلی این مصاحبه هم بوده است آورده‌ام که برای ما که می‌خواهیم از صفر



شروع کنیم آن هم در دنیای جدید، و اکنون که همه جهان را نیز حساس کرده‌ایم، فعالیت اتمی نه امنیت می‌آورد و نه منافع اقتصادی دارد. ایران آشکارا اعلام کرده است که قصد استفاده نظامی از فعالیت‌های اتمی‌اش ندارد و حتی این قصد را هم که داشته باشد، اثر بازدارنده‌ای ندارد. یعنی فعالیت اتمی نظامی، برای ما امنیت که نمی‌آورد، بلکه ناامنی و بی‌ثباتی می‌آورد. از نظر اقتصادی هم گفته‌ام که چون فناوری مورد استفاده ما هم قدیمی است هم گران قیمت، بسیار غیر اقتصادی است. از نظر برق تولیدی هم با توجه به این که ما صاحب ذخایر عظیم گاز هستیم، در آینده هم ما به علت داشتن گرم‌ترین مناطق زمین در کویر لوت، یکی از بهترین کشورهای دنیا برای تولید برق خورشیدی هستیم، باز تولید برق اتمی غیر اقتصادی است. بنابراین بهترین استراتژی مکمل این است که ما در مسیر پرهزینه‌ای که در سال‌های اخیر انتخاب کرده‌ایم تجدید نظر کنیم و به سوی تعامل مثبت با جهان حرکت کنیم. من راه جایگزین دیگری نمی‌شناسم.

بازی، امکان وجود رهبری مدنی، تولید ادبیات مخصوص جنبش، ابزارهای اطلاع‌رسانی مستقل و نظایر این‌ها لازم است.

پس معتقدید این حرکت باید رهبر هم داشته باشد تا به ویژگی یک جنبش نزدیک شود. در این صورت رهبری این جنبش را باید چه کسی در دست بگیرد؟

رهبری جنبش به طور خودانگیخته مشخص خواهد شد. اصولاً جنبش‌ها از جنس پدیده‌های خودانگیخته یا خودپدیدار هستند که به صورت خودجوش شکل می‌گیرند. رهبری این جنبش‌ها نیز به صورت خودانگیخته و در جریان شکل‌گیری جنبش مشخص می‌شود. این همان مسئله‌ای است که حکومت را نگران می‌کند و به همین خاطر تمایل ندارد که جنبش مدنی شکل بگیرد. در هر جنبش مدنی یک تعدادی چهره سیاسی و مدنی تازه پدیدار می‌شوند یا همان چهره‌های سابق ارتقای پیدا می‌کنند و به یک رهبر اجتماعی تبدیل می‌شود و این دقیقاً همان نکته‌ای است که مانع می‌شود که حکومت از شکل‌گیری چنین جنبشی حمایت کند.

به نظر شما با توجه به اهمیت کمی که در ایران به تشکلهای

مانع نقل و انتقالات پولی برای آن نهاد خبری جهانی شوند. اما الآن ما کدام نهاد مدنی معتبر را داریم که در سطح جهانی آن را به رسمیت بشناسند؟ هیچ.

به باور شما دولت هم در این میان می‌تواند نقشی داشته باشد؟ چون مذاکره کننده اصلی دولت‌ها هستند.

اگر منظور تان نقش دولت در کاهش تحریم‌هاست، دولت برای این که تحریم‌ها لغو شود دو کار اساسی باید بکند اول این که به سرعت برود به سمت شفاف‌سازی فعالیت‌های اتمی و همکاری با سازمان‌های مربوطه و دیگر این که به طور جدی حرکت کند در جهت عقلانی کردن فضای ژئوپولیتیک منطقه‌ای. روشن است که تا زمانی که همسایگان منطقه‌ای ما با ما تعامل مستمر سازنده ندارند نگرانی‌های آنها بر رفتار سایر بازیگران جهانی اثر می‌گذارد و اگر منظور شما نقش دولت در شکل‌دهی به یک جنبش مدنی ضد تحریم است، عرض می‌کنم که هر حرکتی دولت بکند در جهت شکل‌دهی این جنبش به منزله به شکست کشاندن آن است چون جامعه جهانی به سرعت می‌فهمد که این حرکت، دست ساز دولت است و آن را جدی نخواهد گرفت. دولت اگر می‌خواهد کمکی کند به جنبش مدنی ضد تحریم باید فضا را به صورت واقعی برای فعالیت نهادهای مدنی